

## FUTURISM ON THE OTHER SIDE OF CHASM

<http://www.gchandchi.com/471-FuturismChasm-plus.htm>



سام قندچی

### آینده نگری در آنسوی دره

در سال 1991 آقای جفری مور Geoffrey A. Moore کتاب جالبی تحت عنوان عبور از دره Crossing the Chasm منتشر کرد. کتاب درباره بازاریابی برای شرکت‌های تازه تأسیس تکنولوژی‌های نو نگاشته شده بود. اصل بحث وی این بود که میان کسانی که ویسیونر visionary نامیده میشوند و از اولین کسانی هستند که نوآوری‌های تازه را پذیرا میشوند و آنهایی که پراگماتیست هستند و نوآوری‌ها را در مراحل دیرتری پذیرا میشوند، یک دره فاصله است. یعنی که او یک عدم تسلسل در اینگونه نوآوری‌های متحول کننده میدید که نیاز به نگرش استراتژیک به کل محصول و جایسازي آن برای عبور از آنچه وی یک دره یا شکاف مینامد را لازم میکرد.

به عبارت دیگر در آنسوی دره دیگر کسانی که پتانسیل پذیرا شدن نوآوری‌های تازه را دارند نظیر ویسیونرها نیستند که علاقه و آفری به یافتن چیزهای تازه دارند و دنبالش هستند، بلکه آنها پراگماتیست هستند و برای برآوردن نیازهای مشخص خود به نوآوری تازه روی میاورند وقتی آن راه حل‌ها را پاسخگویی نیاز مشخصی که دارند میبینند و به همین علت است که بازاریاب بایستی به مفهوم کل محصول و اینکه در چه جایگاهی میتواند چه نیازی را برآورده کند، توجه کند، و نه آنکه به دنبال آن باشد که مشتری آینده خود را از جالب بودن نوآوری و تازه بودن آن و یا حرف آخر بودن در برابر همه راه‌های دیگر، مجذوب کند، که اساساً دلیل پذیرا شدن چیزی برای پراگماتیست‌های آنسوی دره نیست.

اگر بیشتر به جزئیات برویم میبینیم که برای ویسیونرها بحث‌های طولانی درباره اینکه این نوآوری مهم تر است یا نوآوری دیگر و یا اینکه در گذشته یا آینده راه چه بوده و امثال این بحث‌ها ساعات بیشتری را برای جلبشان به تحول تازه اشغال میکند، تا که آنها تهییج شوند و نوآوری تازه را بپذیرند. در صورتیکه برای پراگماتیست‌ها مهم این نیست که این نوآوری حرف آخر را میزند یا چیزی در گذشته یا آلترناتیو دیگری با ادعاهای دیگر چه قدر اهمیت دارد. برای آنها موضوع اینکه محصول چه جایگاهی در برآوردن نیازهای مشخص اشغال میکند و چگونه به هدف خود میرسد، مهم است.

منظور من این نیست که وقتی نوآوری به مرحله رفتن به آنسوی دره رسیده است، هنوز کسی نمیاید و با چالش بگوید که اصلاً این چیز تازه نوآوری نیست، و یا اصلاً حرف تازه ای نیست، و کسانی هم در پاسخ به چنین چالش‌هایی وقت صرف نخواهند کرد. درباره نوآوری‌های تکنولوژی‌های جدید وقتی به آنطرف دره میرفتند هنوز عده ای در اینطرف دره وقت و زندگی خود را با اینگونه بحث‌ها صرف میکردند، ولی در عمل آنها کسانی بودند که در پیشبرد نوآوری‌های تازه و موفق کردن آن شکست خوردند، چرا که به موقع درک نکردند که دیگر وقت صرف وقت در اینطرف دره اهمیت ندارد و بایستی کوشش خود را صرف استراتژی برای طرف دیگر دره مبدول کنند و آنرا پیاده کنند تا که به نتیجه برسند، و به اینطریق کتاب جفری مور، رمز موفقیت بسیاری از کسانی شد که توانستند به موقع عبور از دره را برای نوآوری خود درک کرده و انرژی خود را در طرف اول دره، وقتی که زمانش گذشته بود، تلف نکنند.

بنظر من آینده نگری بویژه در ایران دیگر در حال عبور از دره است و توجه را بایستی بر روی پراگماتیست‌های سوی دیگر دره گذاشت و نه ویسیونرهای دوران پیشین. من فکر میکنم بیشتر بحث‌ها و سایتها و نشریات آینده نگر ایرانی دیگر موضوعاتشان دردی برای موفقیت آینده نگری در ایران دوا نمیکند و وقت خود را تلف میکنند و حتی دسته ویسیونرها هم از مقالات تکراری آنها خسته شده اند و بیشتر و بیشتر این سایت‌های اینترنتی بینندگانشان را از دست میدهند. دیگر بحث با کسانی که هنوز اینترنت یا اقتصاد گلوبال با نیاز به حزب آینده نگر را نمیبینند، ائتلاف وقت است. مسأله این است که این بحث‌ها که بین ویسیونرها و گروه اولیه علاقمندان به این تحولات مدتهاست جریان داشته، دیگر بایستی بطرف پراگماتیست‌ها هدف گیری شود و برای پراگماتیست‌ها موضوع این نیست که ثابت کنیم اقتصاد ملی باید ساخت یا اقتصاد

گلوبال، و ائتلاف وقت با اینگونه بحث ها. بلکه سؤال این است که اقتصاد گلوبال چه شکلهایی دارد و عملاً چه چیزی برای ما به ارمغان میآورد، چه خوب و چه بد.

اجازه دهید ساده تر بگویم. اگر یک برنامه تلویزیونی درست شود که صنعت اتومبیل سازی ژاپن که با استراتژی اقتصاد گلوبال بوجود آمده است را نشان دهد و اینکه چگونه در حتی آمریکا توانسته است میلیونها عدد اتومبیل بفروشد، و چگونه توانسته است در ژاپن بر روی زندگی مردم آنکشور اثر گذارد، چنین برنامه ای از صد تا مقاله که بخواد اثبات کند اتومبیل سازی از نوع اوائل قرن گذشته بر مبنای اقتصاد ملی در آمریکا کهنه شده و اتومبیل سازی با استراتژی اقتصاد گلوبال نظیر آنچه ژاپن در نیم قرن اخیر انجام داده، ارجحیت دارد. مسأله پراگماتیستهای آنسوی دره دیدن مدل جدید با ارزش ها و کاستی هایش است و نه بحث و قانع شدن که این نوآوری است یا نیست، یا که تاریخش چیست، و بحث های پایان ناپذیر تکراری با اندیشه های کهن یا حتی اندیشه های دیگر رقیب. آن بحث ها همیشه بوده و خواهد بود. برای آینده نگر من دیگر موضوع مرکزی سویی دیگر دره است، و نه آنطرفی که بیش از نیم قرن است در آنجا هم و کوشش خود را صرف کرده ایم.

من وقتی به نشریات و رسانه های آینده نگر ایرانی نگاه میکنم بندرت چیزی مییابم که توجه اش به آنسوی دره باشد. بهترین چیزی که تا به حال دیده ام برنامه ای است که تلویزیون قارسی صدای آمریکا بتازگی درست کرده است بنام شباهنگ:

<http://www.voanews.com/persian/late-edition.cfm>

منظور من این نیست که برنامه شباهنگ غنای کامل آنچه که آینده نگر بایستی برای آنسوی دره باشد را دارد. ابداً. اتفاقاً نشریات و رسانه هایی که به اینسوی دره یعنی به ویسیونرها توجه دارند خیلی کاملتر هستند ولی برای آنسوی دره یعنی برای پراگماتیستها که اکنون اصل توجه جنبش آینده نگر بایستی باشند، دردی را دوا نمیکنند هر چند از نظر آکادمیک خیلی غنی تر هستند. بعوض عملاً برنامه شباهنگ کوشش میکند که بیان استراتژی و مفهوم محصول کامل برای آنسوی دره باشد، نمیگویم آگاهانه، چون نمیدانم، ولی از آنچه من مشاهده میکنم، این برنامه دارد مدل تازه ای برای ایران ارائه میدهد. منظورم حرفهائی نظیر اینکه برای جوانها است و امثال این شعارها نیست. بحث جوان و پیر مطرح نیست. مدل تازه که ارائه شد برای هر کسی است که آنرا استفاده کند. کاری هم به جزئیات برنامه ندارم که شاید 80 درصد آن بایستی برای تأمین یک مدل آینده نگر مؤثر، تغییر کنند.

سطح کیفیت کوششهای برای آنسوی دره مثل کار سنگاپور یا ژاپن است که چهار دهه پیش کانون توجه خود را روی استراتژی اقتصاد گلوبال گذاشتند، هر چند در آنزمان ممکن بود حتی 20 درصد اقتصاد آنها هم عملاً این چنین نباشد.

خلاصه کنم، بنظر من وقت آن است که نشریات و رسانه های آینده نگر نگاه جدی به آنچه ارائه میدهند بکنند و آنطرف دره و پراگماتیستهای آنسو را هدف بگیرند و گرنه دیری نخواهد پانید که همین تعداد بیننده ای که دارند را هم از دست خواهند داد.

به امید **جمهوری آینده نگر**، فدرال، دموکراتیک، و سکولار در ایران

سام قندچی، ناشر و سردبیر  
ایرانسکوپ

<http://www.iranscope.com>

27 فروردین 1386

April 16, 2007

مطالب مرتبط

<http://www.ghandchi.com/468-AvandehnegariChist.htm>

<http://www.ghandchi.com/500-FuturistIran.htm>

متن مقاله بزبان انگلیسی

<http://www.ghandchi.com/471-FuturismChasmEng.htm>

---

مقالات تنوریک

<http://www.ghandchi.com>

فهرست مقالات

<http://www.ghandchi.com/SelectedArticles.html>